

# کارکرد صنعتی نواحی روستایی و ضرورت توسعه آن

## مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار

### دکتر تیمورآمار<sup>۱</sup>

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۱۰

#### چکیده

از صنعتی شدن می توان به عنوان یک استراتژی در توسعه مناطق روستایی به ویژه ارتقاء شاخص های اقتصادی بهره گرفت. روستاها اگرچه توانایی پذیرش فعالیت های صنعتی بزرگ مقیاس را ندارند اما با توجه به قابلیت ها و توان مندی های درونی قادر هستند تا صنایع کوچک و حتی متوسط مقیاس را از نظر عوامل تولید پشتیبانی نموده و در خود جای دهند. استان گیلان اگرچه همواره به عنوان یک قلمرو جغرافیایی در راستای کارکرد کشاورزی و گردشگری مورد توجه بوده لیکن در شرایط جغرافیایی متنوع آن امکان احیاء و گسترش فعالیت های صنعتی نیز وجود دارد. شهرستان رودبار و ناحیه مطالعاتی (بخش خورگام) یکی از همین قلمروهاست که این تحقیق سعی نموده تا ضمن بررسی توانمندی های آن از بعد صنعتی راه های بهبود و توسعه این فعالیت را با اتکا به منابع درونی ناحیه ارائه دهد. نتیجه مطالعات نشان می دهد که اگرچه ناحیه مورد نظر به دلیل انزوای جغرافیایی و ارتباطی کارکرد صنعتی ضعیفی دارد ولی با توجه به زیرساخت های موجود افزایش توان صنعتی آن در راستای بهره گیری از فواید و اثرات مثبت این استراتژی وجود دارد. ضمن اینکه سرمایه گذاری های جدید در زمینه صنایع روستایی تا حدودی بر همین نکته تاکید می نماید.

واژگان کلیدی: صنایع روستایی، صنعتی شدن روستاها، استان گیلان، شهرستان رودبار، بخش خورگام

## مقدمه

صنعتی کردن روستاها به عنوان استراتژی که قادر به ایجاد تحولات ساختاری در اقتصاد این مناطق است کمی با حساسیت و گاهی اوقات نیز با تردید مواجه است. برمبنای همین تردید هیچ‌گاه نظریه‌پردازان توسعه روستایی، صنعت را به تنهایی محوریت توسعه اقتصادی در این مناطق قلمداد نکرده و از آن به عنوان فعالیتی فرعی و در خدمت کشاورزی نام می‌برند. با وجود دستیابی به برخی اهداف در پرتو صنعتی شدن روستا، تردیدها در مورد استقرار صنعت در این مناطق نشان از حساسیت برنامه‌ریزان نسبت به این رویکرد دارد.

از صنایع روستایی تعاریف مختلفی شده است. سازمان بین‌المللی کار (ILO) صنایع روستایی را صنایعی می‌داند که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی مستقر بوده و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده کرده، پیوندهای بازاری آنها از نظر جغرافیایی محدود بوده و بیشتر مواد خام یا تولیدات محلی را به مصرف می‌رسانند و عرضه تولیدات آنها نیز به بازارهای محلی است، گویانکه امکان عرضه تولیدات این‌گونه صنایع به بازارهای ملی و بین‌المللی نیز وجود دارد (مشاورین D.H.V، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

مرکز توسعه منطقه‌ای ملل متحد (UNCRD) نیز در تعریف صنایع روستایی می‌گوید: تمام صنایعی که می‌توانند در مراکز روستایی و روستا- شهری توسعه یابند به عنوان عناصر صنایع روستایی محسوب می‌شوند به شرط آنکه بتوانند وسیله‌ای برای صنعتی شدن روستا باشند (مسیرا، ۱۳۶۶، ص ۸۹). در این تعریف تأکید عمده روی شاخص جغرافیایی صنایع یعنی مکان استقرار آنها بوده و در دسته بندی، تمام صنایعی که در نقاط روستایی استقرار پیدا کنند (جدای از ماهیت، مقیاس، ویژگی، نوع تولیدات و...) صنایع روستایی گفته می‌شود.

این مقاله تلاش دارد تا ابعاد و جنبه‌های مهم صنعتی شدن روستاها از منظر اهداف، دیدگاه‌ها، و برنامه‌های مرتبط با این بخش و به صورت موردی در یکی از نواحی روستایی استان گیلان مورد بحث و بررسی قرار دهد.

## طرح مسئله

صنعت از جمله فعالیت‌هایی است که شاید در بدو امر با فضا و محیط روستا نامأنوس به نظر برسد و کمتر از روستا به عنوان مکان جغرافیایی مناسب جهت استقرار و گسترش این بخش از اقتصاد نام می‌برند. این رویکرد بیشتر ناشی از این واقعیت است که تاریخ، شکل‌پذیری، روابط درونی و بیرونی روستا عمدتاً متأثر از فعالیت‌های بخش اول اقتصاد بوده و نگرش به روستا همواره بر اساس مکان تولید مواد اولیه (به‌ویژه تولیدات کشاورزی) و مواد غذایی جهت مصرف در مناطق غیرروستایی می‌باشد، و این تقسیم کاری است که در تاریخ تحولات مربوط به سکونت‌گاه‌های انسانی (خواسته یا ناخواسته) شکل گرفته است. براین مبنا مرتبط با فعالیت‌های صنعتی و جامعه روستایی اولین سئوالی که در ذهن مطرح می‌شود این است که چه ضرورتی برای صنعتی شدن روستاها وجود دارد؟ و اهدافی که در پرتو برنامه‌های صنعتی در روستاها دنبال می‌شود کدامند؟

جامعه روستایی را برمبنای فعالیت‌های صنعتی می‌توان از دو جنبه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

اول، ایجاد و استقرار صنعت در روستا که روشی اجرایی است و با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار، صنایع مناسب را در مناطق روستایی تعیین می‌کند و دوم، صنعتی کردن روستا؛ در این دیدگاه مسأله صنعتی کردن روستا هم

یک فرآیند فرعی و هم وسیله‌ای برای متنوع کردن و نوسازی اقتصادی روستا تلقی می‌شود. انعطاف‌پذیری راهبردهایی که بر اساس نیازهای توسعه جهت داده می‌شوند نشانه‌های روشن این نگرش است (مسیرا، ۱۳۶۸، ص ۵).  
باهر دیدگاهی که روستا در مسیر تجهیز صنعتی قرارگیرد اهداف مهمی در پرتو آن دنبال می‌شود که این اهداف فصل مشترک تمام نظرات و دیدگاه‌های موجود در رابطه با صنعتی شدن روستاست. این اهداف عبارتند از:  
الف) افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های غیرکشاورزی: توان و قابلیت بخش (کشاورزی) در ایجاد فرصت‌های شغلی محدود است، ضمن اینکه اشباع کشاورزی از نظر جذب نیروی کار نیاز به ایجاد و گسترش فعالیت‌های غیر کشاورزی (به‌ویژه صنعت) را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

ب) تقویت اقتصادی مراکز روستایی: شواهد تجربی نشان می‌دهند که به‌علت کاربر بودن صنایع کوچک، نیروی کار قابل ملاحظه‌ای جذب آن می‌گردند (UNIDO، ۱۹۸۵، ص ۴۸۷). از نقطه نظر درآمد نیز اشتغال به فعالیت‌های غیرکشاورزی در رشد و رونق اقتصاد روستایی حائز اهمیت است. مثلاً در آسیا درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرکشاورزی از حدود ۲۱ درصد در بنگلادش و فیلیپین تا ۴۰ درصد در تایلند تفاوت می‌کند (ذوقدار مقدم، ۱۳۶۹، ص ۳۵).

ج) فرآوری (تبدیل) تولیدات کشاورزی محلی: هم پیوندی صنایع روستایی با فعالیت‌های کشاورزی بعنوان یک اولویت در اجرای پروژه‌های صنعتی شدن روستاها می‌باشد. به طوری که صنایع کوچک روستایی به‌عنوان حامی بخش کشاورزی باشند در واقع صنعت در خدمت کشاورزی است، و نه کشاورزی در خدمت صنعت (تودارو، ۱۳۷۷، ص ۴۵۶). آمارهای به‌دست آمده نشان می‌دهند که کمبود مواد خام کشاورزی در کشورهای در حال توسعه رشد تولید و صادرات را محدود می‌نماید، برای مثال شواهد موجود نشان می‌دهند که کارخانجات تبدیل محصولات کشاورزی تنها با ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت خود فعالیت می‌نمایند زیرا مواد خام کمی در اختیار دارند (طاهرخانی، ۱۳۷۹، ۱۱۸ به نقل از Pradip. K. Ghosh 1985).

د) تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی جامعه روستایی: تولید و عرضه محصولات مورد نیاز جامعه روستایی چهارمین هدف در پرتو صنعتی کردن روستاها است. خواه محصولاتتی که جنبه مصرف غذایی و خانگی دارند و خواه تولیداتی که در فرآیند تولید کشاورزی (مانند نهاده‌های پربازده نظیر کود، سم و...) مورد استفاده روستائیان قرار می‌گیرند.

#### مبانی نظری تحقیق

در رابطه با صنعتی کردن روستاها تحلیل‌ها و نظریه‌های چندی عنوان شده است. دیدگاه‌ها در خصوص آنچه در پرتو صنعتی شدن در روستا رخ خواهد داد یکسان نبوده و اختلاف نظرهای عمده‌تاً در خصوص اهداف، نوع صنایع، ماهیت و مقیاس، نحوه مکان‌یابی و پیامدهای صنعتی شدن، خود را نشان می‌دهد. عده‌ای صنایع روستایی را برحسب یک خط سیر تاریخی تحلیل می‌کنند که در تمامی فرآیندهای صنعتی شدن تجربه می‌شود. به طوری که در مقاطع زمانی خاصی از سیر تکاملی صنعت (به‌ویژه در مراحل آغازین آن) وجود تولید کوچک مقیاس به‌علت حجم کم بازار مصرف، فقر امکانات و تسهیلات زیربنایی، پایین بودن سطح تکنولوژیک، و تقسیم ضعیف و نامناسب کار، ضرورت می‌یابد. این دیدگاه در بستر تئوریک به دیدگاه تکامل گرایانه<sup>۱</sup> معروف شده است (اسمیت، ۱۳۷۳، ص ۷۹).

1-Evolutionerist Rewiev

2-Industriol Trickle-down Process

براساس این تئوری صنایع در قالب شرکت‌های کوچک فعالیت خود را آغاز می‌کنند و به مرور زمان رشد کرده و به بنگاه‌های بزرگ تبدیل می‌شوند که در این راه نقش عواملی چون «شانس»، «عمر فعالیت»، و «نوآوری» تعیین کننده است (کی مرام، ۱۳۸۳، ص ۱۹). گرچه با گسترش و تسلط صنایع متوسط و بزرگ مقیاس در ساختار صنعتی، امکان کاهش نقش صنایع کوچک یا تغییر جهت جغرافیایی استقرار آنها از روستا به سمت شهرها وجود خواهد داشت. اما تحول زمانی صنایع همواره با "انحراف مکانی" و تغییر جهت جغرافیایی استقرار همراه نبوده و زمینه‌های رشد صنعت در یک مکان می‌تواند از صنایع کوچک مقیاس آغاز و به فضای اشباع از صنعت منتهی شود (برای مطالعه بیشتر ن. ک. به، Nanjundan 1988).

در راستای سیاست‌های تمرکززدا، صنایع روستایی ابزاری است که در کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های بین روستا و شهر نقش دارند (زولتان، ۱۳۸۱، ص ۱۳). طرفداران این نظریه با ارائه توسعه همه جانبه روستایی ایجاد اشتغال روستایی را مهمترین دست‌آورد توسعه از طریق سیاست‌های تمرکززدا معرفی می‌نمایند، ضمن اینکه تمرکززدایی در برنامه‌های صنعتی می‌تواند دست‌آوردهای غیرقابل‌انکاری چون عدالت و برابری، محیط زیست سالم، روابط منطقی نیروی کار و سازمان اجتماعی متوازن به همراه داشته باشد.

نظریه رخنه به پایین صنعتی لوئیس آغاز رشد صنایع روستایی را در مناطقی می‌داند که بهره‌وری بخش‌های غیر صنعتی پایین و دستمزدها ثابت باشند. او معتقد بود که اگر نیروی کار بر اثر این عارضه به بخش صنعت منتقل شود و توام با آن ظرفیت‌های صنعتی و تقاضا برای نیروی کار نیز افزایش یابد، دستمزدها افزایش می‌یابد. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که تقاضا با دستمزد ثابت دارای کشش نامحدود نباشد چرا که کناره‌گیری بیشتر نیروی کار را دیگر نمی‌توان با نهاده‌های بیشتر نیروی کار از اعضای خانواده فرد مهاجر که ساکن روستا هستند، جبران کرد. در این هنگام عقب کشیدن نیروی کار باعث کاهش ستانده می‌شود و از اینرو باید با پرداخت دستمزد بیشتر به فرد مهاجر، کاهش میانگین مصرف اعضای ساکن روستا جبران شود. و به این ترتیب سودهای حاصل از توسعه صنعتی از طریق نرخ‌های بالای دستمزد در بین کارگران و جمعیت روستایی پخش می‌شود. این حالت را فرآیند رخنه به پایین لوئیس یا رخنه به پایین صنعتی می‌نامند (سایت، ۱۳۷۵، صص ۳۶-۳۸).

البته روند حرکت صنعتی در مدل لوئیس به همین جا ختم نمی‌شود بلکه در مرحله بعدی با عرضه بیشتر نیروی کار روستایی، تغییرات تکنولوژیکی برای جانشین‌سازی نیروی کار حادث خواهد شد. فرآیندی که موجب افزایش بهره‌وری و تداوم ورود جریان کارگر روستایی به صنعت است و در نهایت اثر ونتیجه صنعتی شدن به زدودن فقر و از بین رفتن مابه‌التفاوت دستمزدهای بین بخشی کمک خواهد کرد.

بر مبنای اثرگذاری پیوند صنعتی سیدمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) و دارکو<sup>۳</sup> (۱۹۷۳) ایجاد صنایع جدید در کشورهای جهان سوم را حائز اثراتی چون ایجاد بازار داخلی برای مواد خام کشاورزی و مواد غذایی، تخصصی شدن مناطق داخلی و مبادلات ارزی، افزایش ظرفیت تولید کشاورزی از طریق تولید نهاده‌های کشاورزی مناسب، پیدایش فرصت‌های شغلی جدید

برای نیروی انسانی مازاد و بیکار بخش کشاورزی و افزایش تقاضا برای تولیدات و خدمات صنعتی در روستاها و موجبات پیدایش یک ساختار مکانی بهینه در کشورهای در حال توسعه می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲، ص ۵۷). و بالاخره در سال‌های اخیر برخی کشورها (مانند ژاپن، کره جنوبی و برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی) با عنایت به توجه ویژه برنامه‌ریزان به امکانات اقتصادی و ظرفیت‌های تولیدی نسبتاً محدود در زمان تدوین برنامه توسعه خود ساختار تشکیلاتی- تولیدی خاصی را طراحی نموده اند که «پیمانکاری فرعی» معروف است. در این ساختار هر می شکل قاعده متشکل از بنگاه‌های کوچک صنعتی است که درصد قابل توجهی از تولیدات خود را (حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد) به تعداد کمتری از پیمانکاران بزرگ‌تر در طول زنجیره تولید که در میانه‌های هرم جای دارند اختصاص می‌دهند و باقی را مستقیماً به بازار ارائه می‌کنند. در این ساختار کل‌گرا هرچه به رأس هرم نزدیک‌تر می‌شویم تعداد صنایع کمتر شده و بزرگی آنها نیز افزایش می‌یابد این روش به دلایل متعدد، کاربری بسیار خوبی از خود نشان داده است (YI, Sato, 1983, pp15-25) ضمن اینکه هزینه مبادلات براساس ویژگی کالاهای مبادله شده و سرمایه‌گذاری شرکت مادر در شرکت تامین‌کننده قطعات تعیین می‌شود. که بر این اساس هر چه هزینه مبادلات بیشتر باشد، تمایل شرکت‌ها برای روابط پیمانکاری کمتر شده و سازمان‌ها بزرگ‌تر می‌شوند از سوی دیگر افزایش هزینه اداری در داخل شرکت و کاهش انعطاف‌پذیری، از بزرگ شدن بیش از حد بنگاه‌ها جلوگیری کرده و آنها را به همکاری با سازمان‌های دیگر تشویق می‌کند (کی مرام، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

جدول شماره ۱. مهمترین نظریات و تئوری های صنعتی شدن روستاها\*

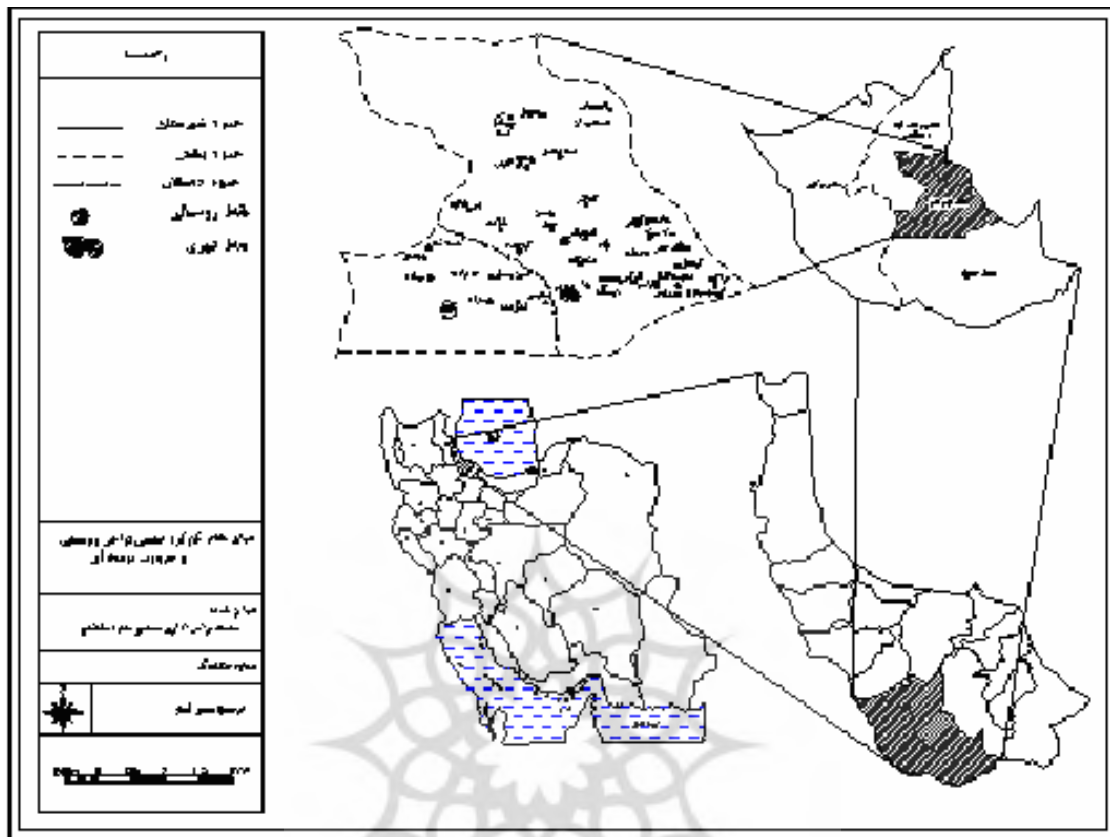
ردیف	شرح	ارائه کننده	دلیل و ضرورت های صنعتی شدن	کشور
۱	دیدگاه تکامل‌گرایانه	اسمیت و لیبراکی	صنایع کوچک و روستایی به عنوان بخشی از فرآیند تکامل صنعت	اغلب کشورهای شمال
۲	دیدگاه مبتنی بر تمرکز زدائی	جی. ا. کس. زولتان	تقویت صنایع روستایی در راستای تعدیل نابرابری های بین روستا و شهر	چین- هند- تایلند
۳	دیدگاه رخنه به پایین صنعتی	لوئیس، دبلیو. ای	صنعتی شدن روستاها در راستای کاهش تفاوت دستمزد بین بخش های اقتصادی موجود در روستاها	کره جنوبی - تایلند
۴	دیدگاه پیوند و توسعه صنعتی	سیدمن و دارکو	تقویت صنایع شهرهای میانه و کوچک و پیوند آن با برنامه های صنعتی شدن روستاها برای انتقال منافع حاصل از صنعتی شدن به روستاها	هند - مالزی
۵	دیدگاه مبتنی بر سیستم پیمانکاری	تی . ساتو	انتقال بخشی از فرآیند تولیدات صنعتی بزرگ به مناطق روستایی بویژه مراحل کاربر آن	ژاپن- کره جنوبی - مالزی

• تلفیق و تنظیم از نگارنده

### - محدوده مطالعاتی و شیوه پژوهش

قلمرو مطالعاتی که برای شناخت ساختاری از وضعیت و نقش صنعت در اقتصاد آن انتخاب شده، بخش خورگام (شهرستان رودبار) می‌باشد، که براساس آخرین سرشماری رسمی کشور دارای ۴۰ نقطه روستایی و ۱۴۰۴۳ نفر جمعیت بوده است. بخش خورگام با ۲۹۶ کیلومتر مربع وسعت (معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان) در جنوب شهرستان رودبار واقع شده و از جمله نواحی است که علی‌رغم انزوای جغرافیایی در خصوص رشد صنعت (متناسب با قابلیت‌های درونی) شاهد سرمایه‌گذاری‌هایی در این زمینه بوده است. به همین منظور برای بررسی و ریشه‌یابی علل شکل‌گیری

فعالیت‌های صنعتی موجود و همچنین شناخت هر چه بیشتر نسبت به ابعاد و اثرات این پدیده در اقتصاد ناحیه (به ویژه با توجه به موقعیت جغرافیایی آن) پژوهش حاضر به‌انجام رسید.



شکل شماره ۱: نقشه منطقه مورد مطالعه

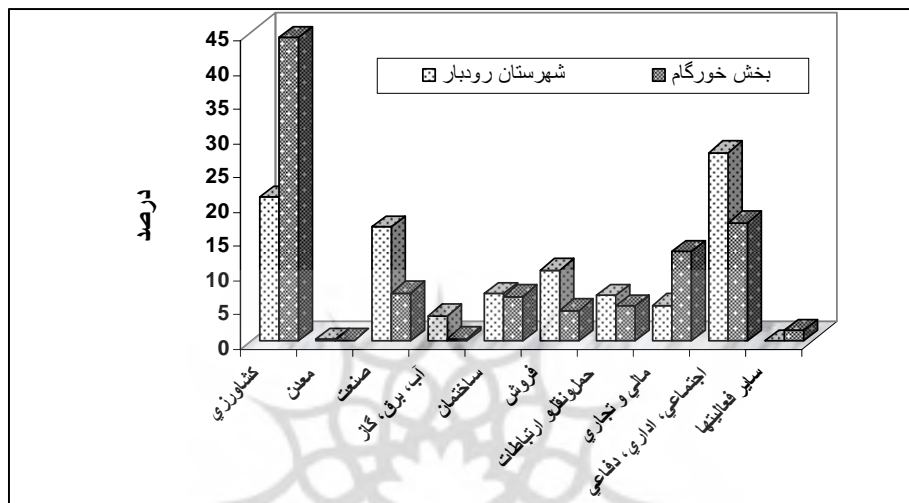
منبع: اینترنت

پژوهش انجام یافته از نظر هدف از نوع کاربردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. برای انجام مطالعه از شیوه‌های رایج جمع‌آوری اطلاعات (اعم از اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شده است. در بخش اسنادی ضمن بررسی سوابق موضوع مورد مطالعه و وضعیت ناحیه مطالعاتی از نظر قابلیت‌های صنعتی و نحوه توزیع صنایع موجود مورد بحث قرار گرفته و در بخش میدانی نیز ضمن جمع‌آوری اطلاعات اولیه از کل جامعه آماری (۴۰ روستا) اطلاعات ثانویه نیز از طریق مراکز اداری، سازمانی ناحیه به‌ویژه بخش‌داری خورگام اخذ شده است. کلیه اطلاعات بر مبنای موضوع و اهداف طرح شامل مالکیت صنایع، دلیل مکان‌یابی در ناحیه، تکنولوژی مورد استفاده و نحوه تولید و مصرف فراورده‌های تولیدی، تعداد کارکنان و برنامه‌های آتی و... در قالب پرسش‌نامه مجریان صنعتی و مصاحبه از مسئولین محلی به‌ویژه بخش‌داری، جهاد کشاورزی، و منابع طبیعی به‌انجام رسیده است.

#### یافته‌های تحقیق

بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت فعال ناحیه حدود ۲۱۳۰ نفر شاغل بوده‌اند که حدود ۷۵/۵ درصد از کل جمعیت فعال را شامل می‌شود. ترکیب شاغلین ناحیه خورگام در بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۷۵ و مقایسه آن با شهرستان رودبار در نمودار آمده است.

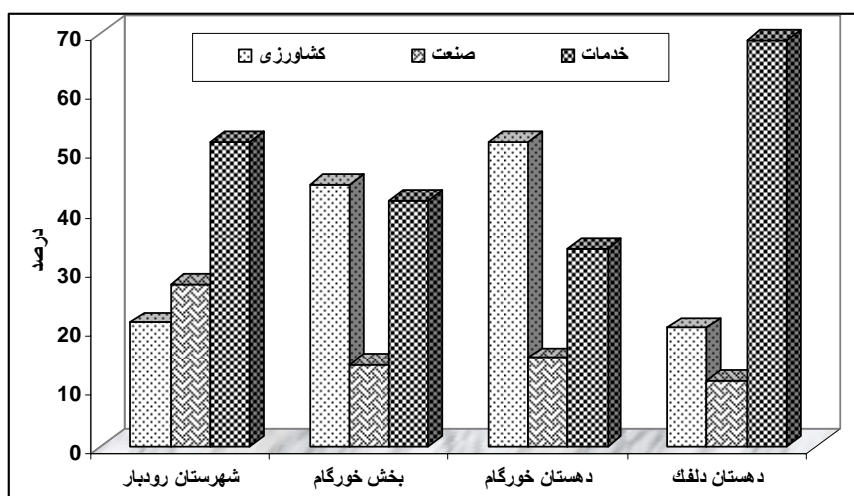
همانطور که نمودار نشان می‌دهد کشاورزی مهمترین فعالیت اقتصادی ناحیه است که حدود ۴۴ درصد از جمعیت شاغل ناحیه را شامل می‌شود. در عوض بخش صنعت ضعیف‌ترین بخش اقتصادی ناحیه بشمار می‌رود که تنها ۱۴ درصد جمعیت شاغل ناحیه را به خود جذب کرده است. فعالیت‌های بخش سوم اقتصادی نیز از نظر جذب نیروی فعال دارای اهمیت بوده ۴۱/۷ درصد شاغلین بخش خورگام مربوط به فعالیت‌های خدماتی هستند، در مقایسه با شهرستان رودبار درصد شاغلین بخش اول بسیار بیشتر، اما میزان جذب جمعیت در بخش‌های دوم و سوم به نسبت شهرستان پایین تر است.



شکل شماره ۲: جمعیت شاغلین به تفکیک نوع فعالیت در شهرستان رودبار و بخش خورگام ۱۳۸۵

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

در مقام مقایسه، دهستان‌های ناحیه تقریباً وضعیتی کاملاً متضاد یکدیگر دارند. به طوری که بخش کشاورزی که در دهستان خورگام ۵۱/۶ درصد کل افراد شاغل را شامل می‌شود در دهستان دلفک تنها ۲۰ درصد است. بالعکس در فعالیت‌های بخش سوم میزان اشتغال در دهستان دلفک قابل توجه است (۶۸/۶ درصد کل شاغلان اقتصادی) در حالی که در دهستان خورگام ۳۳ درصد جمعیت جذب مشاغل خدماتی شده‌اند. تنها در ارتباط با فعالیت‌های بخش دوم دهستان‌های خورگام و دلفک ارقامی مشابه به یکدیگر ارائه می‌دهند. ازدیاد مشاغل خدماتی و بالطبع ارتقاد درصد شاغلین این بخش نشان از رشد یک بخش اقتصادی نا مأنوس با جامعه روستایی را در دهستان دلفک نشان می‌دهد. روستاهای این دهستان اغلب در مسیر ارتباطی رستم‌آباد به بره سر قرار دارند و به دلیل برخورداری از راه مناسب فعالیت‌های تجاری و خدماتی در آن رونق خاصی گرفته است، که البته نقش توان‌مندی‌های گردشگری ناحیه را نیز نباید نادیده گرفت.



نمودار شماره ۱. جمعیت شاغل شهرستان رودبار و بخش خورگام بر حسب بخشهای عمده فعالیت (۱۳۸۵)

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

#### -صنعت و تأثیر آن بر اقتصاد دو معیشت ناحیه:

علی‌رغم این که شهرستان رودبار یکی از مناطق مهم صنعتی در استان گیلان به شمار می‌رود اما محورهای عمده صنعتی این شهرستان در اطراف جاده اصلی تهران-رشت قرار گرفته و بافاصله از این محور ترانزیتی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی کاهش می‌یابد. این امر باعث شده که از لحاظ توزیع فضایی فعالیت‌های صنعتی اختلاف شدیدی بین نواحی این شهرستان به وجود آید. به طوری که حدود ۹۸ درصد از مجموع تأسیسات و نهادهای صنعتی شهرستان رودبار در بخش مرکزی و محدوده بین رستم‌آباد تا لوشان استقرار یافته‌اند (اداره کل صنایع استان گیلان، ۱۳۸۶).

ناحیه خورگام به دلیل قرارگیری در یک موقعیت حاشیه‌ای و دور از محور فوق از نظر فعالیت‌های صنعتی ضعیف بوده و صنایع در این ناحیه بر حسب نیازهای روستاییان و با توجه به دسترسی به منابع و مواد اولیه موجود شکل گرفته و فرآوری برخی محصولات تولیدی روستاییان و ساخت برخی وسایل مورد نیاز آنان را به انجام می‌رسانند.

#### -تعداد و توزیع فعالیت‌های صنعتی و میزان اشتغال‌زایی

به تبع قدمت فعالیت دامداری در ناحیه، ساخت و تولید محصولاتی که مواد اولیه آنها از فرآورده‌هایی به ویژه پشم و مو تأمین می‌شود از سابقه بسیار زیادی برخوردار است. کلاه، شال، جوراب و بالا پوش مخصوص دامداران (در اصطلاح محلی شولا می‌گویند) از جمله مهمترین محصولاتی است که در جهت استفاده خانوار یا فروش تولید می‌شوند. براساس مطالعات میدانی انجام شده باگذشت زمان بخش مربوط به عرضه این محصولات به بازار تقریباً در نظام تولیدی حذف شده و بافت این نوع و سایل صرفاً در جهت استفاده شخصی می‌باشد.

در ناحیه مطالعاتی براساس اطلاعات سال ۱۳۸۶ اشتغال صنعتی درصد بسیار کمی از نیروی را به خود جذب کرده است. در کل ناحیه ۳۶ واحد صنعتی (عمدتاً از نوع صنایع کوچک و محلی) وجود دارد که ۱۰ درصد واحدهای صنعتی شهرستان (اداره اداره کل صنایع استان گیلان، ۱۳۸۶) را شامل می‌شود. در این تعداد واحد کارگاهی ۷۰ نفر مشغول به کار هستند که تنها ۵ درصد از شاغلین بخش صنعت شهرستان را در بر می‌گیرد. بخش عمده این صنایع از نوع صنایع غذایی، چوب و فلزی می‌باشد.

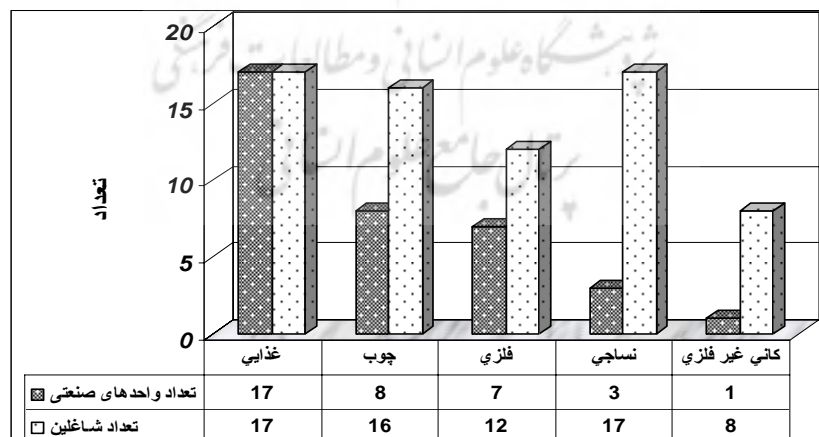


جدول شماره ۲. فعالیت‌های عمده صنعتی در ناحیه مطالعاتی به تفکیک

نوع صنعت	فعالیت عمده	سرمایه ثابت (میلیون ریال)
غذایی	آرد کوبی و برنج کوبی	۳۶۰
چوب	وسایل چوبی و خانگی	۴۷۲
فلزی	ساخت در و پنجره - آهنگری - تراشکاری	۱۲۸
نساجی	پارچه های خانگی، جوراب، تریکولحفاف	۲۵
کانی غیر فلزی	مصنوعات سیمانی	۱۱۰
جمع کل	-	۱۰۹۵

منبع: اداره کل صنایع استان گیلان، ۱۳۸۶ و مطالعات میدانی (۱۳۸۷)

پراکندگی جغرافیایی فعالیت های صنعتی فوق نشان می دهد که تمرکز این کارگاه ها عمدتاً در نقاط روستایی بزرگ و مربوط به روستاهای مرکزی و جنوبی ناحیه است. بره سر، پشت کلا، نوده، ناش و گلنگش در دهستان خورگام و حشمت آباد، لیاول علیا و ماشمیان در دهستان دلفک از جمله این مراکز به حساب می آیند. در کنار ظرفیت جمعیتی بالا و مرکزیت اداری - سیاسی، عوامل مساعدی چون موقعیت طبیعی مناسب، قرارگیری در یک موقعیت ارتباطی ویژه (مسیر اصلی رستم آباد به کلیشم) بهره گیری از امکاناتی چون آب، برق، تلفن و خدمات اداری در تقویت این نقاط و جذب سرمایه های صنعتی بی تأثیر نبوده و به نظر می رسد که در صورت نیاز به سرمایه گذاری های جدید این نقاط و یا حداقل قلمرو مرکزی و جنوبی ناحیه در اولویت قرار داشته و قابلیت بیشتری برای جذب سرمایه در جهت راه اندازی فعالیت های کوچک و بزرگ صنعتی داشته باشند. فعالیت های صنعتی در ناحیه با ۷۰٪ فرصت شغلی حدود ۳۷۸ میلیون ریال درآمد ناخالص (در قالب دستمزدهای پرداختی به نیروی کار) برای ناحیه ایجاد کرده اند که با توجه به قابلیت های موجود ناحیه می توان انتظار داشت که این ارقام افزایش بیشتری نیز داشته باشد.



نمودار شماره ۲. تعداد واحدهای صنعتی و تعداد شاغلین بخش صنعت در ناحیه مطالعاتی به تفکیک نوع فعالیت (۱۳۸۷)

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

### قابلیت ها و محدودیت های صنعتی ناحیه

همان طور که بیان شد بخش صنعت در کارکرد اقتصادی ناحیه بسیار ضعیف بوده به طوری که این بخش به صورت متمرکز تنها برای ۷۰ نفر فرصت شغلی ایجاد نموده و درصد کمی از درآمدهای اقتصادی ناحیه را به خود اختصاص

داده است. طبق مطالعات میدانی و جمع‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده از روستاهای ناحیه این بخش با تنگناها و محدودیت‌هایی زیر روبروست:

۱. مشارکت ضعیف بخش خصوصی و حتی دولتی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی در ناحیه: براساس مطالعات صورت گرفته ۸۸ درصد از پاسخ‌گویان مهمترین مساله در راه توسعه صنعتی ناحیه عدم رغبت و انگیزه کافی بخش خصوصی در انجام سرمایه‌گذاری برای این بخش ذکر کرده اند.

۲. ضعف زیرساختی به‌ویژه راه ارتباطی و فقدان یک شبکه جاده‌ای کارآمد: راه ارتباطی ناحیه اگرچه در بخشی از مسیر آسفالت می‌باشد لیکن عدم استانداردهای لازم و توان ترافیکی ضعیف از عوامل دافعه بخش صنعت در این ناحیه می‌باشد، که حدود ۶۴/۴ درصد از جامعه آماری نیز به این امر تاکید داشتند.

۳. کمبود نیروی متخصص و مهاجرت دانش‌آموختگان ماهر این بخش بدلیل نبود فرصت شغلی مناسب: اگر دلیل بخشی از کاهش جمعیت ناحیه را در کمبود فرصت‌های شغلی برای جمعیت جوان و به‌ویژه تحصیل‌کرده بدانیم، فقدان بخش صنعت را نیز می‌بایست از مولفه‌های تاثیرگذار در این رابطه به حساب آوریم. طبق اظهارات ۹۰ درصد از مدیران محلی روستاهای ناحیه نبود فرصت‌های شغلی با مهارت لازم انگیزه ماندگاری جمعیت را در ناحیه مطالعاتی کاهش داده است.

۴. درحاشیه‌بودن ناحیه و دوربودن از بزرگراه رشت - قزوین: از لحاظ ارتباطی ناحیه مطالعاتی یک قلمرو حاشیه‌ایی تلقی می‌شود. به‌طوری‌که فاصله متوسط آن از مسیر اصلی ارتباطی رشت - رودبار حدود ۴۵ کیلومتر است. همین امر در کنار اقلیم کوهستانی ناحیه و مشکلات تردد در فصول سردسال باعث شده تا تردیدها در ارتباط انجام سرمایه‌گذاری در بخش صنعت در این ناحیه افزایش یابد. طبق اطلاعات میدانی بخشی از مسائل این فعالیت در روستاهای ناحیه به این ویژگی آن برمی‌گردد.

اما در کنار محدودیت‌های فوق قابلیت‌های ناحیه برای توسعه صنایع روستایی نیز قابل توجه است:

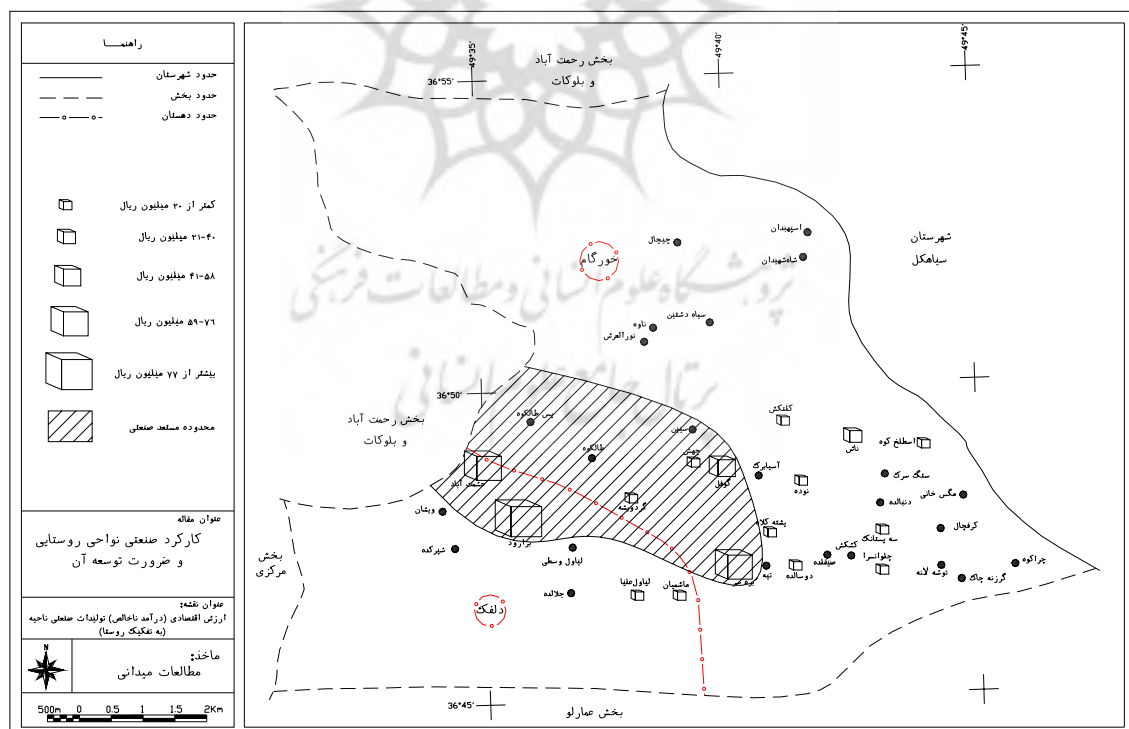
۱. وجود منابع و مواد اولیه: از گذشته تا به امروز یکی از اهرم‌های موثر در مکان‌یابی و استقرار واحدهای صنعتی دسترسی به منابع و مواد اولیه بوده است. طبق مطالعات میدانی صورت گرفته در ناحیه و نتایج مستخرج از پرسش‌نامه ناحیه مطالعاتی برای ایجاد صنایع غذایی و چوب به‌ویژه صنایع لبنی و فرآورده‌های دامی از مزیت‌های فراوانی برخوردار است. حداقل در ۴۰ درصد روستاهای ناحیه دسترسی به چوب و در ۹۰ درصد سکونت‌گاه‌های بخش خورگام به تبع فعالیت‌های دامداری زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت‌های صنعتی مرتبط به این منابع وجود دارد.

۲. وجود نیروی انسانی جوان و مناسب برای انجام فعالیت‌های صنعتی کوچک: طبق آمار سال ۱۳۸۵ حدود ۲۵۰,۵۰۵ درصد از جمعیت فعال ناحیه وضعیت شغلی مناسبی ندارند و طبق این سرشماری بیکار محسوب می‌شوند. این توان‌مندی در روستاهای ناحیه را می‌توان به‌عنوان یک قابلیت جهت توسعه فعالیت‌های صنعتی کوچک - والته کاربر در نظر گرفت. حدود ۹۲/۵ درصد از جامعه آماری تحقیق صنعت را راهی جهت جذب این نیروها و امکان نگهداشت آنها در روستاهای ناحیه می‌دانند.

## کارکرد صنعتی نواحی روستایی و ضرورت توسعه آن... ۱۰۱

۳. وجود ارتباطات بین بخشی که مقیاس مبادلات اقتصادی را ابعادی درون شهرستانی و حتی در افزایش عملکرد، مقیاس درون استانی می‌بخشد: ناحیه مطالعاتی اگرچه به‌صورت بالفعل در زمینه فعالیت صنعتی رونق بسیار بالایی ندارد لیکن در پرتو فعالیت‌های دیگر به‌ویژه کشاورزی و بخش نوظهور گردشگری در ناحیه می‌توان انتظار داشت که بسترهای ارتباطی ناحیه افزایش یافته و در کنار تقویت زیرساخت‌های ارتباطی شرایط جذب سرمایه در بخش صنعت و تبادل عوامل و نیروهای تاثیرگذار بر این بخش فراهم شود. در این راه مسلماً انتخاب صحیح صنعت مناسب مکان‌یابی صحیح صنایع و تامین سرمایه و سایر خدمات زیرساختی امکان تصمیم‌گیری بهتر در این زمینه را فراهم خواهد کرد.

۴. دسترسی ناحیه به امکانات و خدمات زیرساختی: قدر مسلم در شکل‌گیری و تکوین فعالیت‌های صنعتی در یک ناحیه وجود خدمات زیرساختی از ابزارهای موفقیت صنعتی کردن روستاهاست. میزان دسترسی روستاهای ناحیه مطالعاتی در سال ۱۳۸۶ بر اساس اطلاعات میدانی تقریباً مناسب است. به طوری که از ۶۶ کیلومتر راه روستایی ناحیه حدود ۳۰ کیلومتر آن از نوع آسفالت می‌باشد و عملیات اجرایی ۱۰ کیلومتر دیگر نیز در حال انجام است. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از سطح ناحیه ۹۵ درصد روستاهای بخش خورگام از نعمت روشنایی برق برخوردار بوده و ۸۵ درصد روستاها نیز از آب لوله کشی و ۹۰ درصد روستاها به شبکه تلفن دسترسی دارند. ضمن اینکه پروژه گازرسانی به روستاهای ناحیه در حال انجام است که در تحولات آتی این محدوده تاثیرگذار خواهد بود.



شکل شماره ۳: نقشه شهرستان رودبار

منبع: اینترنت

## نتیجه گیری

اشتغال غیرکشاورزی در بسیاری از مناطق روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و می‌تواند ۲۵ تا ۵۰ درصد نیروی کار روستایی را به خود اختصاص دهد و در فصل کسادی کار زراعی که هیچ نوع کاری در مزرعه وجود ندارد می‌تواند بیش از ۷۰ درصد اوقات فراغت را پرکند (هریسون، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴). با توجه به این مطلب در حال حاضر فعالیت‌های صنعتی موجود در ناحیه ضعیف بوده و کار بری اراضی صنعتی در این ناحیه بسیار کم است. به طوری که در بخش خورگام تنها ۵۲۴۸ مترمربع (۱/۷ درصد کل اراضی ناحیه) به کاربری‌هایی چون صنایع غذایی، چوب و فلزی و نساجی اختصاص داشته که توان و قابلیت آنها نیز در ایجاد شغل و درآمد بسیار ضعیف است. در راستای رشد و توسعه اقتصادی و انعکاس آن در ناحیه مطالعات، گسترش بخش صنعت به ویژه صنایع وابسته به بخش اول به عنوان مکمل باید مورد توجه واقع شده و از طریق استقرار تأسیسات صنعتی در ناحیه به رشد این بخش کمک نمود. براساس مطالعه ایی که نگارنده در سال ۱۳۸۳ در ناحیه مطالعاتی انجام داده جامعه روستایی مورد نظر بسیار فقیر بوده و درآمد سرانه جمعیت در این ناحیه سالانه ۲/۸ میلیون ریال و بر مبنای خانوار ۱۲/۹ میلیون ریال می‌باشد (آمار، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹). در این راستا، برای ارتقاء درآمد فعلی ناحیه (که عمدتاً از بخش کشاورزی به دست می‌آید) تقویت بخش‌های دوم و سوم اقتصادی در این ناحیه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. با توجه به موارد فوق و با در نظر گرفتن ظرفیت‌های موجود به ویژه در تأمین مواد اولیه پیشنهاد می‌شود که:

الف) صنایع فرآوری تولیدات دامی (مواد لبنی، فرآورده های گوشتی) در روستاهای بره سر، ماشیمان و پشته کلا ایجاد شود. وضعیت نسبی این سه نقطه نسبت به سایر نقاط در مکان‌یابی و استقرار نوع صنایع عبارتند از:

- قرار گیری در مرکز ثقل جغرافیایی ناحیه و امکان جذب مواد اولیه ای تولیدی دامداران ناحیه

- دسترسی این سه نقطه به راه‌های ارتباطی مناسب، تلفن و وجود آب کافی

- جمعیت مناسب این نقاط و همچنین امکان بهره‌گیری از نیروی انسانی موجود در روستاهای مجاور

ب) صنایع چوب در روستاهای نیمه شمالی و غربی ناحیه به ویژه طالکوه، گردویشه، سین، چهش، گلنگش استقرار یابد. مزیت‌های این نقاط نیز اولاً در دسترسی به منابع و مواد اولیه (با توجه به اینکه فضاهای جنگلی ناحیه عمدتاً در مرکز ناحیه قرار دارند) ثانیاً جمعیت قابل ملاحظه و بالاخره موقعیت ارتباطی مناسب می‌باشد.

ج) مکان‌یابی صنایع نساجی در سه نقطه یعنی روستای ناش در شرق ناحیه و روستاهای لیاول علیا و برارود در دهستان دلفک (جنوب غربی ناحیه) مناسب به نظر می‌رسد که در این مکان‌یابی نیز دسترسی به نیروی انسانی و مواد اولیه از یک طرف و برخورداری از شبکه ارتباطی، آب کافی برق و تلفن از سوی دیگر تأثیر بسزای دارند. در سایر موارد نیز بر حسب نیاز مکان‌یابی صنایع در روستاها صورت می‌گیرد.

سخن آخر این که فعالیت‌های صنعتی ناحیه بهتر است از نوع کوچک مقیاس باشند. «به فعالیت‌های صنعتی کوچک می‌توان به عنوان پروژه‌های فقرمدار نگرست که وسیله امرار معاش را فراهم کرده و تقاضایی جدید برای نیروی کار روستایی ایجاد می‌کند. چراکه کارآمدترین پروژه‌های روستایی فقرمدار دارای خصوصیتی چون کوچک بودن،

ظرفیت‌بر بودن و قابلیت اجرای تدریجی، هستند» (چمبرز، ۱۳۸۱، ص ۷۱) و به نظر می‌رسد که راه‌حل مشکلات روستاییان در بسیاری از مناطق کشور ما طرح این شعار و عمل به آن است: «ساده، بهینه است».

## منابع

- اسمیت، آی و لیبراک، ای (۱۳۷۳). نقش و کارکردهای صنایع کوچک مقیاس. ترجمه ناصر اوکتایی. فصلنامه روستا و توسعه شماره یک.
- اداره کل صنایع و معادن استان گیلان (۱۳۸۶). آمار کارگاه‌های صنعتی بخش خورگام به تفکیک روستا، رشت.
- استانداری گیلان (۱۳۸۷). آخرین تقسیمات اداری - سیاسی ناحیه خورگام، معاونت برنامه ریزی
- آمار، تیمور (۱۳۸۳). "ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی، مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار". پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۲). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه تهران.
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۱). چالش باحرفه‌ها، عرصه‌های چالش در توسعه روستایی. ترجمه علیرضا خرمایی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، تهران.
- زولتان جی اکس و دیگران (۱۳۸۱). نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن. ترجمه جهانگیر مجیدی. تهران: چاپ رسا،
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان (۱۳۸۵). سالنامه آماری استان، سال ۳۸۳، معاونت آمار و انفورماتیک.
- سایث، آشوانی (۱۳۷۵). راهبردهای توسعه و روستائیان فقیر. ترجمه بهنام شاپوری. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹). صنعتی شدن روستا، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی،
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). "نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی نواحی صنعتی اراک". رساله دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا.
- کی مرام، فرید (۱۳۸۳). نقش صنایع کوچک در توسعه صنعتی کشور. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- مشاورین D.H.V از هلند (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی. ترجمه ابوطالب فنایی و دیگران. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران
- میسرا، آر. پی (۱۳۶۶). صنعتی کردن روستاها در کشور های جهان سوم. ترجمه علی اکبر. فصلنامه روستا و توسعه شماره یک.
- هریسون، پل (۱۳۷۷). فردای جهان سوم. ترجمه محمد طلوع. تهران: موسسه خدماتی - فرهنگی رسا،
- Nanjundan. S (1988). Small and medium Enterprises: some Basic Development Issues, UNIDO.
- U.N.I.D.O (1985). The Role of small and Medium scale Industries in OIC Member states. UNIDONO. 9.
- Sato, Y. I (1983): The subcontracting production system in Japan, keio Business Review.